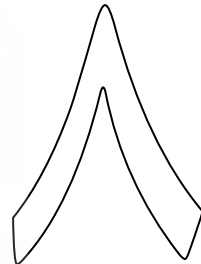


روابط هند و چین

امیر روشن*
محمد رضا فرجی**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



amirroshan41@yahoo.com

mfarajji62@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۹۵/۹/۱۰

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه یزد

** دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱

فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۲۳-۲۵۸

چکیده

جنوب و شرق آسیا دو زیرسیستم منطقه‌ای آسیا هستند. جنوب آسیا شامل هفت کشور هند، پاکستان، نپال، بنگلادش، بوتان، سریلانکا و مالدیو است. از طرف دیگر شرق آسیا شامل کشورهای چین، هنگ‌کنگ، ژاپن، تایلند، کره شمالی و کره جنوبی می‌باشد. این مقاله بر واکاوی روابط بین دو کشور هند و چین، یکی از جنوب و دیگری از شرق آسیا سامان یافته است. این دو کشور دو قدرت نوظهور آسیایی هستند که به عنوان دو غول آسیایی از آنها نام برده می‌شود. ارتباط میان این دو قدرت آسیایی نه در بعد منطقه‌ای بلکه در ابعاد جهانی نیز اهمیت زیادی دارد. ماهیت روابط این دو کشور در حال حاضر بسیار پیچیده است و از گسترش همکاری در زمینه تجارت و بازرگانی تا بی‌اعتمادی و سوءظن متقابل^۱ در زمینه‌های استراتژیکی متغیر است. از این‌رو، پژوهش حاضر سعی در تبیین آینده روابط هند و چین دارد. ما حاصل پژوهش حاضر اشاره دارد که آینده روابط هند و چین را می‌توان با همکاری در حوزه‌های متقابل منطقه‌ای و بین‌المللی که برای گسترش صلح بین دو کشور سودمند است و مواجهه، رقابت و حتی دشمنی در بعضی از حوزه‌ها که منافع دو قدرت با یکدیگر برخورد می‌کنند، مشخص کرد.

واژه‌های کلیدی: روابط هند و چین، همکاری، رقابت، منافع متقابل، بی‌اعتمادی

مقدمه

چین و هند دو قدرت نوظهور آسیایی هستند، روابط این دو کشور اهمیت بسیاری برای دینامیک‌های امنیتی آسیا و موازنه قوا دارد. نقطه عطف در روابط هند و چین در سال‌های اخیر طرح «چشم‌انداز مشترک برای قرن بیست‌ویکم» در سفر نخست وزیر هند، مانموهان سینگ^۱ به چین در سال ۲۰۰۸ بود. در این سند دو کشور بر همکاری دوجانبه در مسائل منطقه‌ای و جهانی تاکید کردند. در این دوره رسانه‌های رسمی چین از شتاب روابط دو کشور صحبت کردند. متخصصان چینی در مورد آینده روابط هند و چین خوشبین بودند. در هنگام توافق، یکی از اندیشمندان چینی ظهور دو تا از پرجمعیت‌ترین کشورها را یک انقلاب مهم دانست و اظهار امیدواری کرد که روابط هند و چین محدودیت‌های جغرافیایی را پشت سر بگذارند و معطلات امنیتی و موانعی که در طول تاریخ ایجاد شده است را برچینند (Scott, 2008: 245).

اصولا هند و چین نمی‌توانند الزامات تغییر ماهیت محیط استراتژیک بین‌الملل را که در آن منافع اقتصادی از موضوعات سیاسی پیشی گرفته‌اند را نادیده بگیرند. به دلیل ماهیت در حال توسعه بودن هر دو کشور، بین آنها در بسیاری از موضوعات از جمله سیستم اقتصاد بین‌الملل، امنیت انرژی و محیط زیست همگرایی منافع وجود دارد (Tellis and Mirski, 2013: 1-2). حوزه بسیار مهم برای همکاری بین هند و چین، تجارت و موضوعات اقتصادی است. در سال ۱۹۸۴، دوطرف یک توافق بسیار موفق و یک قرارداد ممانعت از مالیات مضاعف را در

سال ۱۹۹۴ امضا کردند و حجم تجارت از آن زمان افزایش یافت و ارزش مبادلات تجاری بین دو کشور در سال ۲۰۰۵، به ۱۸,۷ میلیارد دلار و در طول سال مالی ۲۰۱۵-۲۰۱۴، به ۷۲,۴ میلیارد دلار رسید (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴/۲/۲۴). اما مسائل مرزی همچنان در روابط دو کشور سنگینی می‌کند و حل و فصل نشده است. مسائل مورد توجه چین مربوط به طول مرز و همچنین اختلافات بر سر خط مرزی مک ماهون^۱ که در سال ۱۹۱۴ در سرحدات هند و چین تعیین شد، می‌باشد. چین همچنین ادعای مالکیت بر کل ایالت شمال شرقی هند، آروناچال پرادش^۲ که مرز مشترک بین دو کشور است را دارد. در واقع چین و هند دارای یک مرز طولانی با یکدیگر هستند که توسط نپال، سیکیم و بوتان به سه بخش تقسیم می‌شود و به این شرح است که هیمالیا بین برمه و غرب پاکستان واقع شده است. تعدادی از اختلافات منطقه‌ای در امتداد این مرز است. در انتهای غربی آن منطقه آکسای چین است که بین منطقه خودمختار چین، سین‌کیانگ^۳ و تبت واقع شده است. مرز شرقی بین برمه و بوتان، آروناچال پرادش است. هر دوی این مناطق در سال ۱۹۶۲ مورد حمله چین واقع شدند. چین طرف سوم اختلافات بر سر کشمیر است؛ به‌ویژه بعد از توافق ۱۹۶۳ که پاکستان از یک سوم از قلمرو جامو و کشمیر به نفع چین چشم‌پوشی کرد. استفاده از آب رودخانه‌های مشترک نیز احتمالاً در فقدان معاهده بین دو کشور در آینده به عنوان یک مشکل منطقه‌ای دیگر ظاهر شود. در طول چند سال اخیر، چین اقدام به احداث سد بر روی رودخانه یارلونگ^۴ کرده که از تبت نشأت و به رودخانه آروناچال پرادش می‌ریزد. در یک مرحله گسترده‌تر، آرمان هند برای کسب عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل نیز منجر به افزایش رقابت بین دو کشور می‌شود؛ چین بسیار خواهان عضویت و ارتقای جایگاه هند در سازمان ملل نیست. در حالی که روابط هند و چین رو به بهبود به نظر می‌رسد، دو طرف سوءظن بسیار عمیقی از منافع

-
1. McMahon Line.
 2. Arunachal Pradesh.
 3. Xinjiang.
 4. Yarlung River.

استراتژیکی یکدیگر دارند (Gojree, 2013:48).

بر این اساس در پژوهش حاضر نگارنده گان قصد دارند به این پرسش پاسخ گویند که آینده روابط هند و چین بر چه اساس و مبنایی است؟ در این میان به طور واضح مهمترین پرسش در مورد همکاری هند و چین در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و رقابت آنها در حوزه‌هایی است که منافع دو کشور با یکدیگر برخورد می‌کند. در حوزه روابط هند و چین مطالعات زیادی صورت گرفته است؛ فرزین‌نیا در مقاله «روابط هند و چین: همکاری و رقابت» (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸)، به بررسی فراز و نشیب روابط دو کشور پرداخته و مهمترین عوامل تاثیرگذار در روابط دو کشور را مطرح کرده است. گوجری در مقاله «هند و چین: فرصت‌ها و چالش‌ها» (Gojree, 2013)، به بررسی فرصت‌های همکاری و موانعی که در همکاری دو کشور وجود دارد، می‌پردازد. راتها و ماهاپاترا در مقاله «روابط دوجانبه هند و چین: مواجهه و مصالحه» (Ratha and Mahapatra, 2012)، فرصت‌های همکاری در روابط دو کشور را مطرح می‌کنند و به بررسی روابط دیپلماتیکی و فرهنگی بین دو کشور می‌پردازند. دوادسون در مقاله «روابط تجاری هند و چین: فرصت‌های جدید برای همکاری» (Devadason, 2008)، به بررسی فرصت‌های همکاری در روابط هند و چین می‌پردازد. کوندا در مقاله «روسیه- هند ° چین: چشم‌انداز همکاری سه جانبه» (Kundu, ۲۰۰۴)، به بررسی روابط هند و چین و روسیه بعد از جنگ سرد و حادثه یازده سپتامبر می‌پردازد و عنوان می‌کند که هر سه این کشورها از ایده نظم چندقطبی برای مقابله با یکجانبه‌گرایی امریکا حمایت می‌کنند. آریف در مقاله «تاریخ روابط هند و چین: از درگیری تا همکاری» (Arif, 2013)، به بررسی درگیری‌های مرزی سال ۱۹۶۲ بین دو کشور می‌پردازد و همکاری چندجانبه دو کشور را بعد از جنگ سرد بررسی می‌کند. تلیس و میرسکی در مقاله «چین و هند و نظم جهانی در حال ظهور» (Tellis and Mirski, 2013)، ظهور چین و هند را به عنوان دو قدرت جهانی عاملی می‌دانند که باعث فروپاشی نظم یکجانبه‌گرایی مستقر نظام بین‌الملل می‌شود ولی عنوان می‌کنند که تفاوت دیدگاه‌های دو کشور از شکل‌گیری نظم نوین بین‌الملل، آشکارکننده

تفاوت‌ها و اختلافات در بسیاری از موضوعات دوجانبه و جهانی است. همان‌گونه که آشکار است، ادبیات و منابع موجود به لحاظ تاریخی به بررسی روابط هند و چین می‌پردازند و هرکدام از آنها نیز بر یک بعد از روابط متمرکز هستند. در اینجا ما برآنیم که با تمرکز بر موانع و فرصت‌های پیش‌روی دو کشور، آینده این روابط را تبیین نماییم.

در پاسخ به سؤال اصلی این فرضیه مطرح است که آینده روابط هند و چین را می‌توان با همکاری در حوزه‌های متقابل منطقه‌ای و بین‌المللی که برای افزایش صلح بین دو کشور مفید و سودمند است و مواجهه، رقابت و حتی دشمنی در بعضی از حوزه‌ها که منافع دو قدرت با یکدیگر برخورد می‌کنند، مانند مسائل مرزی، روابط با دیگر کشورها به ویژه امریکا و پاکستان، رقابت بر سر منابع انرژی، مسابقه هسته‌ای و غیره مشخص کرد.

در راستای پاسخ به پرسش اصلی و بررسی فرضیه پژوهش ابتدا پیشینه روابط هند و چین مطرح می‌شود. در بخش دوم محدودیت‌های روابط هند و چین و در بخش سوم به فرصت‌های همکاری در روابط دو کشور پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه روابط هند و چین

روابط هند و چین به قرن دوم قبل از میلاد برمی‌گردد. فاهین و هلوئین تسانگ^۱ دو راهب مشهور بودایی چین در این دوره به منظور یادگیری متون مقدس به هند مسافرت کردند. راهب بودایی هند دارما^۲ به منظور تأسیس بخش بودایی چین به این کشور آمد. در حمله گسترده و نظامی ژاپن به چین در سال ۱۹۳۷، هند اقدام به اعزام تیم پزشکی به چین کرد. نهر در سال ۱۹۳۹ از چین دیدار و روابط دوستانه قوی با این کشور برقرار کرد (Arif, 2013: 131). چین و هند در اوایل دهه ۱۹۵۰ نیز روابط دوستانه‌ای داشتند. در سال ۱۹۵۰، روابط دیپلماتیکی بین هند و چین ایجاد شد و هند اولین کشور غیرکمونیستی بود که جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخت (Zhu, 2011: 27). در این دوره تبادلاتی بین نهر و نخست وزیر هند

1. Fahien and HuenTsang.
2. Dharmma.



و ژئو انلای^۱ نخست وزیر چین صورت گرفت. در این دوره پنج اصل معروف همزیستی مسالمت‌آمیز با تلاش‌های دو رهبر تصویب و در روابط دو کشور حکمفرما شد. براساس این پنج اصل، چین متعهد به ایجاد روابط دوستانه با هند شد. در سال ۱۹۶۰، نخست وزیر ژائو برای گفت‌وگو پیرامون مسائل مرزی به هند مسافرت کرد؛ اما در سال ۱۹۶۲ هند یک حمله مسلحانه را به چین، در سرتاسر مناطق مرزی آغاز کرد. این موضوع منجر به دوره از سردی و انجماد روابط شد. در سال ۱۹۷۶، دو کشور اقداماتی را برای تبادل سفرا آغاز کردند. در سال ۱۹۷۹، واجپایی^۲ وزیر امور خارجه هند از چین دیدن و آقای هوانگ هوی^۳ وزیر امور خارجه چین نیز در سال ۱۹۸۱ به هند مسافرت کرد. در سال ۱۹۸۴ دوطرف موافقتنامه تجاری امضا کردند. دیدار راجیو گاندی در سال ۱۹۸۸ از چین، سرآغاز تاسیس گروه کاری مشترک در مسائل مرزی، ایجاد کمیته‌های مشترک اقتصادی، علم و تکنولوژی و هوانوردی شد (Ratha and Mahapatra, 2012: 1157).

علت اصلی دیدار رسمی لی پنگ^۴ نخست‌وزیر چین، از هند در دسامبر ۱۹۹۱ که اولین سفر یک نخست‌وزیر چین از این کشور پس از ۳۱ سال به شمار می‌آمد، دستیابی به توافق در مورد «جدایی موضوع مرزی» از مسئله گسترش روابط تجاری، همکاری اقتصادی و مبادلات فرهنگی بود. دهلی‌نو در این دوره اگر چه در مورد بعضی از موضوعات مانند کمک چین به برنامه‌های هسته‌ای و موشکی پاکستان ابراز نگرانی کرد، اما کاملاً آماده بود تا مسائل مورد اختلاف را کنار گذاشته و به عادی‌سازی روابط پردازد. بنابراین دوطرف موافقت کردند «بازرگانی مرزی را براساس برابری و منافع متقابل» احیا کرده، پس از ۲۹ سال کنسولگری‌های خود را در دهلی‌نو و شانگهای بازگشایی کرده و همکاری‌هایی را در زمینه‌های فضا، پزشکی و تکنولوژی آغاز کردند (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۹).

-
1. Zhou Enlai.
 2. Vajpayee
 3. Huang Hue.
 4. Li Peng.



زمانی که ناراسیمها راثو^۱ نخست وزیر هند از چین در سال ۱۹۹۳ دیدار کرد، یک توافقی بین دو کشور در زمینه حفظ صلح و آرامش در مناطق مرزی، مسائل مربوط به محیط زیست، رادیو و تلویزیون و تجارت آزادانه تر مرزی منعقد شد. در طی مسافرت نارایانان،^۲ معاون رئیس جمهوری هند از چین و کوان کویچن^۳ وزیر خارجه چین از هند، دو کشور موافقتنامه ای در زمینه اجتناب از مالیات مضاعف، همکاری در زمینه تجهیزات پزشکی و بهداشتی، همکاری بانکی و اتخاذ روش های سهل در دریافت ویزای شهروندان امضا کردند. در اواخر سال ۱۹۹۶، رئیس جمهور جیانگ زمین^۴ به منظور ایجاد یک مشارکت سازنده براساس پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز در قرن ۲۱ و همکاری متقابل در موضوعات بین المللی، به هند مسافرت کرد. در سال ۱۹۹۹، زمانی که دو کشور تاکید کردند که نباید یکدیگر را به عنوان تهدید تلقی کنند، به فرایند بهبود و توسعه روابط، وارد شدند. در مارس ۲۰۰۰، مقامات وزرای امور خارجه دو کشور اولین گفت وگوهای امنیتی را آغاز کردند. در این دوره هر دو کشور برای پیشبرد روابط دوجانبه به اجماع رسیدند (Ratha and Mahapatra, 2012: 1157).

در نوامبر سال ۲۰۰۶، رئیس جمهور چین از هند دیدار کرد و دو کشور یک بیانیه مشترک مشتمل بر ده موضوع استراتژیکی به منظور حفظ ثبات و همکاری در همه مناطق صادر کردند. در زمان دیدار سینگ^۵ از چین در سال ۲۰۰۸، یک سند مشترک تحت عنوان «چشم انداز مشترک چین و هند برای قرن ۲۱» که مشتمل بر موضوعات بین المللی و دوجانبه بود، صادر شد. سینگ همچنین در اکتبر سال ۲۰۰۸، به منظور شرکت در اجلاس اروپا-آسیا که در پکن برگزار شد، به این کشور مسافرت کرد (Ratha and Mahapatra, 2012: 1157).

1. Narasimha rao.
2. Narayanan.
3. Qian Qichen.
4. Jiang Zemin.
5. Singh.

در سفر سه روزه نخست وزیر چین، ون جیابائو^۱ به هند در سال ۲۰۱۰، شش توافق در زمینه تبادل فرهنگی، تکنولوژی‌های سبز، تبادلات رسانه‌ای، داده هیدرولوژیکی و بانکداری امضا شد. در این زمان عنوان شد که حجم تجارت دوجانبه باید تا سال ۲۰۱۵ به ۱۰۰ میلیارد دلار برسد. انجمن گفت‌وگوهای استراتژیک اقتصادی ایجاد و سال ۲۰۱۱ به عنوان سال تبادلات هند و چین اعلام شد. در سپتامبر ۲۰۱۱، وزیران امور خارجه هند و چین به عنوان اعضای بریکس^۲ (برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی) در جلسه مجمع عمومی سازمان ملل با یکدیگر دیدار کردند. در این زمان دو وزیر مکانیسم گفت‌وگوهایی (دیالوگ) را در موضوعات مربوط به مبارزه با تروریسم، برنامه‌ریزی برای همکاری در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، قضایی، علم و تکنولوژی، حسابرسی، پرسنل، مالی و غیره ایجاد کردند (Ratha and Mahapatra, 2012: 1158).

اما با این حال چین حاکمیت هند بر آروناچال را نمی‌پذیرد. پکن ادعای حاکمیت بر کل منطقه آروناچال پرادش را دارد. تا این اواخر چین سیکیم^۳ را به عنوان یک ایالت مستقل تحت اشغال خود در آورده بود. سناریو فعلی هند و چین بسیار متفاوت از سال ۱۹۶۲ است. چین به عنوان یک قدرت عمده سیاسی، نظامی و اقتصادی ظهور کرده است. این کشور هند را نیز به عنوان یک قدرت نوظهور قوی که در آینده نیز به رشد ادامه خواهد داد، درک کرده است. در حال حاضر دو کشور کوشش‌هایی را برای ایجاد یک فضای مثبت در مذاکرات مربوط به مناقشات مرزی که نزدیک به یک دهه قبل آغاز شده و همچنان ادامه دارد، به عمل می‌آورند. در ۱۶ و ۱۷ ژوئن ۲۰۱۲، پانزدهمین دور مذاکرات بین نمایندگان ویژه دو کشور در دهلی‌نو پیرامون موضوعات مرزی برگزار شد. در این دور از مذاکرات نمایندگان دو کشور توافقی به منظور تأسیس یک مکانیسم کاری برای مشاوره و تطبیق موضوعات مرزی امضا کردند (Ratha and Mahapatra, 2012: 1158).

به طور کلی، دو کشور متأثر از تحولات سیستم بین‌الملل تلاش‌هایی برای

1. Wen Jiabao.
2. BRICS.
3. Sikkim.



توسعه و گسترش همکاری آغاز کردند؛ ولی همچنان در بعضی از مسائل مانند موضوعات مرزی، مسابقه تسلیحاتی و روابط با دیگر کشورها با یکدیگر اختلاف نظر دارند. اصولاً پس از خاتمه نظام دوقطبی انتظار بر این بود که روابط هند و چین قرن آسیایی را رقم زند، اما چین هیچ تمایلی به سهم شدن در رهبری آسیا با هیچ کشوری از جمله هند را ندارد. چین به هر قدرتی که به عنوان یک رقیب برابر قادر باشد وضعیت آن کشور را در پاسیفیک آسیا به چالش کشد، اجازه ظهور نمی‌دهد و بر این اساس، یک ضرب‌المثل قدیمی چینی می‌گوید «یک کوه نمی‌تواند جای دو ببر باشد» (Gojree, 2013: 51). بنابراین هرگونه چالش یا تلاشی از طرف هند به منظور تضعیف نفوذ و قدرت چین، یا هرگونه تلاشی برای دستیابی به برابری استراتژیکی با چین به شدت با مقاومت چین از طریق روش‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیکی مواجه می‌شود. بر این اساس است که می‌توان عنوان کرد روابط این دو کشور بسیار پیچیده است و از همکاری در موضوعات اقتصادی تا خصومت و دشمنی در موضوعات دیگر را دربرمی‌گیرد. در ذیل ما ابتدا چالش‌های روابط هند و چین در قالب دو مبحث مسائل مرزی، مسابقه تسلیحات هسته‌ای و سپس همکاری آن دو کشور در قالب مسائل اقتصادی^۱ تجاری و فرهنگی را بررسی می‌کنیم.

۲. محدودیت‌های روابط هند و چین

مسائل مرزی: مسائل مرزی یکی از موضوعات اصلی مورد مناقشه در روابط دو کشور از زمان وقوع تعارضات بین دو کشور است. دو کشور به حل و فصل موضوعات مرزی تمایل نشان دادند و تبت را به عنوان بخشی از خاک چین و سیکیم را به عنوان بخشی از خاک هند به رسمیت شناختند. اما ادعای چین بر بخشی از آروناچال پرادش که تحت سلطه هند است و در مقابل ادعای هند بر بخشی از قلمرو آکسای^۱ چین، یکی از مسائل حل نشده مرزی باقی ماند (Jain, 2004: 255-256). هند ادعای حدود ۴۰,۰۰۰ کیلومتر از اراضی تحت کنترل چین (آکسای چین) در جناح غربی هیمالیا و در مقابل، چین نیز ادعای ۹۲,۰۰۰ کیلومتر

1. Aksai.

از اراضی تحت کنترل هند (آروناچال پرادش) در بخش شرقی را دارد (Scott, 2008: 250).

تعارضات مرزی به زمانی که هند مستعمره انگلستان بود برمی‌گردد (Zhu, 2011: 30). معاهده ۱۹۰۴ انگلستان و تبت، سرتاسر شمال غربی هیمالیا را تحت تسلط انگلستان قرارداد. اما امپراتوری چین، کینگ^(۱) این معاهده را رد کرد. دینامیک‌های مشابه‌ای در انتهای دیگر هیمالیا به وقوع پیوست. در شمال شرقی، توافقی بین مقامات چینی و تبتی‌ها در مورد خط مک ماهون در کنوانسیون شیملا^۱ در سال ۱۹۱۴-۱۹۱۳ صورت گرفت، اما مقامات چینی در بیجینگ از امضای آن خودداری و آن را رد کردند. این مناطق فقط تحت نفوذ و کنترل اجرایی و اداری بریتانیا بود. با نگاه به تاریخ درمی‌یابیم که زمان این نوع الحاق بسیار دیر شده بود. به عنوان نمونه گروسوامی، عنوان می‌کند که «ادعای هند بر آروناچال پرادش فاقد هر سنت و ریشه تاریخی یا وابستگی فرهنگی است. چین در این منطقه است زیرا بریتانیا از این منطقه خارج شده است» (Scott, 2008: 250). در ضمن این دو توافق مرزی از منظر چینی‌ها به عنوان نمونه‌ای از معاهدات نابرابر که در زمان ضعف قدرت این کشور به چین تحمیل شد، فرض می‌شود. اختلافات مرزی به عنوان یک موضوع مورد مناقشه باقی ماند و این موضوع مناقشه در روابط هند و چین در آینده ادامه دارد.

اختلافات مرزی در اواخر دهه ۵۰ به عنوان یک موضوع رو به رشد در روابط دو غول آسیایی ظاهر شد. در شرق، اختلاف در مورد ابهام در خط مک ماهون دیگر قابل تحمل نبود. در نتیجه یک درگیری مسلحانه در مرزهای خط مک ماهون بین دو طرف در نتیجه سیاست رو به جلو هندی‌ها صورت گرفت (Maxwell, 1970: 256). در غرب منطقه وسیع خالی از سکنه چین مهمترین خط ارتباطی بین چین، سین‌کیانگ^۲ و تبت شد. کشف احداث جاده توسط چین از سوی هند منجر به بروز اختلافاتی شد و تحرکاتی در این منطقه به دنبال داشت.

1. Simla Convention.

2. Xinjiang.

فقدان کانال‌های دیپلماتیک برای مذاکره و حل و فصل موضوع و در عوض وجود سوءبرداشت از اقدامات و نیت یکدیگر همگی منجر به آغاز جنگ سال ۱۹۶۲ شد (Scott, 2008: 250).

۱۷۰۰ کیلومتر از خطوط مرزی هند و چین در بخش غربی، شرقی و مرکزی تقسیم شده و اختلافات مرزی در هر بخش وجود دارد. هند بر ۹۰۰۰۰ کیلومتر منطقه مورد اختلاف در شرق و ۲۱۰۰ کیلومتر در مرکز کنترل دارد و چین در غرب بر اکثریت منطقه آکسای چین و یک ناحیه ۳۳۰۰۰ کیلومتری در بخش شمالی کشمیر کنترل دارد (Zhu, 2011: 30).

تفاسیر از موضوعات مرزی فراتر رفت و در حال حاضر بسیار پیچیده است. تفاسیر جواهر لعل و نهرو برای جنگ جالب است: «این کمی ساده‌اندیشی است که فکر کنیم مشکلات با چین اساساً به علت اختلافات بر سر بعضی از مناطق بود. آن دلایل عمیقتری دارد. دو تا از بزرگترین کشورها در آسیا با یکدیگر در مرزهای وسیع‌تری مواجه می‌شوند. آنها در بسیاری از روش‌ها متفاوت هستند و هریک از آنها سعی دارد وضعیت و موقعیت بهتری از دیگری در مرزها و آسیا داشته باشند» (Scott, 2008: 251).

موضوعات مشابه دیگر مطابق با اظهار نظر بالا در این دوره توسط مفسران هندی مانند فادنیس^۱ بیان شد؛ «شکست روابط نتیجه رقابت بین هند و چین برای رهبری آسیا که قبلاً پشت شعارهای احساسی و دوستانه بین دو کشور در سال ۱۹۵۰ پنهان شده بود، است» (Scott, 2008: 251). مسائل مربوط به هویت نیز در این درگیری و مخاصمه نقش داشتند. در سال ۱۹۵۹، نهرو عزم هند را برای دستیابی و حفظ ادعای کاملش عمیق‌تر از قلمرو صرف، به عنوان بازتابی از حفظ غرور ملی و احترام به خود عنوان کرد. وی شاید موفق به تشخیص اینکه چنین شور و اشتیاقی نیز در چین وجود دارد نشد. این گونه فشارها هنوز هم در هر دو کشور وجود دارد (Scott, 2008: 250).

پایان جنگ ۱۹۶۲ روشن بود؛ نظامی‌گری چین منجر به پیروزی کامل آن

1. Phadnis.

کشور شد و هند مطلق شکست خورد (Scott, 2008: 250). متعاقب این جنگ کنترل چین بر فلات آکسای چین مورد تأیید قرار گرفت و نفوذ چینی‌ها به مناطق شمال شرقی با تلاش‌های نظامی هند متوقف نشد. در عوض نیروهای چینی، پس از بیرون راندن نیروهای هند از مناطق مورد مناقشه آنها را مجبور به عقب‌نشینی به پشت خط مرزی مک ماهون کردند. در این جنگ هند تحقیر شد و نهرو شکست روحی سنگینی متعاقب این جنگ متحمل شد. این وقایع منجر به ایجاد یک تغییر و تحول افراطی در ادراک هند نسبت به چین شد. بی‌اعتمادی هند نسبت به چین یک عنصر بسیار تلخ در سیاست جهانی است. البته این بی‌اعتمادی و خصومت منتج از یادمان تاریخی هند در جنگ مرزی سال ۱۹۶۲ است (Maxwell, 2003: 99). بیش از ۴۰ سال پس از جنگ، جی سی وانگ^۱ از پکن به طور مشابه اظهار داشت که «زخم‌های روانی برجا مانده از دوران جنگ ۱۹۶۲ زمان بیشتری برای التیام نیاز دارد» (Wang, 2004: 12, Scott, 2008: 250). بر این اساس ذهنیت ناشی از تحقیر یک طرف یا آزرده خاطر شدن احساسات از طرف دیگر، ویژگی پایدار در ادراک هند و چین از یکدیگر است (Ranganathan, 2002: 289).

از سال ۱۹۸۰، تنش در روابط دو کشور کاهش یافت و دو کشور سعی به حفظ صلح و ثبات در مناطق مرزی تحت کنترل خود داشتند. در سال ۲۰۰۳ هند، تبت را به عنوان یک منطقه مستقل در قلمرو چین به رسمیت شناخت و متعاقب آن در سال ۲۰۰۵، چین ایالت سیکیم را در قلمرو هند به رسمیت شناخت (Zhu, 2011: 31).

تقریباً برای بیش از نیم قرن هنوز اختلافات مرزی پایدارند و هیچگونه مذاکره حقیقی برای تحدید حدود مرزی صورت نگرفت. این از آن جهت با اهمیت است که بدانیم در حدود ۴,۰۵۶ کیلومتر (۲,۵۲۰ مایل) مرز بین هند و چین، یکی از طویل‌ترین مرزهای بین دولتی در جهان را شامل می‌شود؛ تنها مرز زمینی چین که نه در نقشه و نه بر روی زمین تعیین حدود نشده است (Scott, 2008: 251). ادعای دوباره چینی‌ها بر این مناطق ناشی از افزایش قدرت آنها در سال‌های



اخیر است. در سال ۲۰۰۷، افزایش و نفوذ قدرت چین در سرتاسر مرزهای مورد مناقشه، منجر به کاهش سرعت در مذاکرات مرزی بین هند و چین شد و یک جنگ سرد کوچک را در سطح مذاکرات به دنبال داشت (Scott, 2008: 251).

اگرچه اصول و پارامترهایی برای هدایت مذاکرات در سال ۲۰۰۵ مورد توافق دو طرف قرار گرفت، اما از طرف دیگر چین مکرراً ادعای حاکمیت خود بر آروناچال پرادش را در طی مسافرت هو جیان تائو^۱ به هند در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ و متعاقب آن در سفر مان موهان سینگ به چین در سال ۲۰۰۸، تکرار کرد. برخی از اقدامات اعتمادسازی در روابط دو کشور شامل کاهش نیروهای نظامی متقابل، جلسات و نشست‌های منظم فرماندهان نظامی محلی و اطلاع‌رسانی از مانورهای نظامی صورت گرفت، اما زیرساخت‌های ارتباطی در هر دو طرف خط مرزی توسط هر دو کشور تقویت شد. به طور کلی با وجود اینکه چین در دوره‌های مشخصی ادعای حاکمیت خود را بر آروناچال پرادش یادآوری می‌کند، اما مرزها آرام و از این رو بعید به نظر می‌رسد شاهد خصومت یکباره در مرزهای دو کشور باشیم و با توجه به تجربیات و حوادث اخیر، کمتر کسی می‌تواند امکان فوران درگیری‌های خشونت‌آمیز را در روابط دو کشور پیش‌بینی کند (Hettiarachchi and Abeyrathne, 2014: 110). اما می‌توان ادعا کرد که مشکلات مرزی بزرگترین مانع در روابط هند و چین است.

مسئله دیگر در روابط دو کشور، حکومت در تبعید تبت است. بعد از شکست شورش تبت در سال ۱۹۵۹، دالایی لاما^۲ با حدود ۱۰۰۰۰۰ پیروان خود وارد هند شد و حکومت در تبعید تبت را در دارماسالا^۳ ایجاد کرد. حتی بعد از به رسمیت شناختن منطقه خودمختار تبت در قلمرو چین در سال ۲۰۰۳، هند دست از حمایت خود از حکومت در تبعید تبت نکشید. در چین این نارضایتی وجود دارد که هند به حکومت در تبعید تبت در انجام فعالیت‌های تروریستی در چین کمک می‌کند (Zhu, 2011: 30).

1. Hu Jintao.
2. Dalai lama'
3. Dharamsala'

مسابقه هسته‌ای: یکی دیگر از موضوعات مناقشه برانگیز در روابط دو کشور هند و چین، دستیابی دو کشور به سلاح‌های هسته‌ای و مسابقه تسلیحاتی بین آنها و همچنین با دشمن و متحد طبیعی آنها پاکستان است. پاکستان با توجه به پیش‌زمینه‌های تاریخی و مذهبی هند و پاکستان، دشمن طبیعی هند است. پاکستان در طول دوره جنگ سرد تبدیل به یک متحد طبیعی چین و همچنین ایالات متحده امریکا شد (Malik, 2001: 73-90). البته بررسی روابط هند و پاکستان هدف این پژوهش نیست و خود پژوهش جداگانه‌ای را می‌طلبد، اما در اینجا باید عنوان کرد که روابط چین و پاکستان بر تنش بین هند و چین تاثیرگذار است.

هند و چین دو کشور دارای سلاح‌های هسته‌ای هستند. چین اولین آزمایش اتمی را در سال ۱۹۶۴ انجام داد و هند در سال ۱۹۷۴ به آن دست یافت (Hettiarachchi and Abeyrathne, 2014: 111). در تاریخ امضای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، چین به عنوان یکی از پنج کشور هسته‌ای جهان و هند فاقد چنین وضعیتی شناخته شد (Kegley, 2005: 463). چین در حدود ۲۶۰ کلاهک هسته‌ای دارد (Federation of American Scientists, 26 May: 2016) و احتمالاً ۱۷۸ تا از آنها هدف‌گیری شده‌اند (Norris and Kristensen, 2008: 42-43). هند در مقابل در حدود ۱۰۰-۱۲۰ کلاهک هسته‌ای دارد (Nuclear Weapons, 26 May: 2016). تصور می‌شود که این کشور در حدود نزدیک به ۶۰۰ کیلوگرم پلوتونیم با درجه تسلیحاتی تولید کرده است؛ هرچند واضح نیست که همه این مواد قادر به تبدیل شدن به کلاهک هسته‌ای باشند (Tellis, 25 February: 2015). چین به مدرنیزه کردن بازدارندگی هسته‌ای خود شامل توسعه زیردریایی‌های قادر به حمل و پرتاب موشک‌های بالستیک پرداخته است (Tkacik, 2014: 173-174). همچنین در سال‌های اخیر، این کشور به استقرار موشک‌های قاره پیمای بالستیک بسیار مدرن قادر به تهدید امریکا و موشک‌های با برد کوتاه که هند آنها را به عنوان تهدید حاکمیت خود ادراک می‌کند، دست زده است (Zhao, 2011: 195-222). در مقابل هند نیز به مدرنیزه کردن فعالیت‌های هسته‌ای خود برای ایجاد بازدارندگی در مقابل اقدامات

چین و پاکستان دست زده است که شامل موشک‌های با برد کوتاه پریت وی^۱ که تهدیدی برای پاکستان است و موشک‌های با برد متوسط آگنی^۲ که چین را تهدید می‌کند (Dhanda, 2010: 266-267).

هند که ظرفیت و توانایی هسته‌ای خود را از سال ۱۹۷۴ رشد بخشیده بود، در سال ۱۹۹۸ به یک ظرفیت و توانایی هسته‌ای قابل توجه دست یافت. آزمایش هسته‌ای هند (۱۲ و ۱۳ مه ۱۹۹۸)، یا پخران-۲^۳ جنگ روانی تندی را به دنبال داشت. چینی‌ها آن را به عنوان «یک اهانت شرم‌آور به خواست عمومی جامعه بین‌الملل در تحریم جامع آزمایشات هسته‌ای و ضربه سختی به تلاش‌های جهانی در جهت جلوگیری از تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای» محکوم کردند (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۲). نخست‌وزیر هند، واجپایی بی‌پرده نگرانی از اقدامات و فعالیت‌های چین را علت آزمایش پخران-۲ بیان کرد: «ما شاهد یک کشور کاملاً هسته‌ای در مرزهای خود هستیم، کشوری که در سال ۱۹۶۲ با هند وارد درگیری نظامی شد. هرچند روابط ما با این کشور در دهه اخیر بهبود یافته است، اما همچنان یک فضایی از بی‌اعتمادی به دلیل لاینحل ماندن مسائل مرزی بین دو کشور وجود دارد. همچنین این سوءظن و برداشت وجود دارد که چین به همسایه دیگر ما (پاکستان) کمک‌های مادی برای تبدیل شدن به یک کشور کاملاً هسته‌ای می‌کند» (Scott, 2008: 252).

این بیانات تاثیر واضحی در روابط هند و چین داشت. این آزمایشات در واقع تلاشی برای بهبود عدم تعادل نظامی و تکنولوژیکی هند در برابر چین بود، که در حال حاضر در حال تبدیل شدن به یک قدرت برتر جهانی است. منطق آزمایش موفقیت‌آمیز موشک میان‌برد آگنی-۲ توسط هند در سال ۱۹۹۹ با برد ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلومتر (۱.۵۵۰ تا ۱.۸۶۰ مایل) آشکار بود. آزمایش موشک پخران-۲ و موشک آگنی-۲ نماد هند احیاء شده بود که در آن تهدید پاکستان فقط یک عامل حاشیه‌ای در محاسبات امنیتی دهلی نو است. آگنی-۲ قلب بازدارندگی در روابط هند و چین

1. short-range Prithvi missiles.
2. Agni missiles
3. Pokhran-II.

است. بر همین اساس بود که چلانی^۱ در سال ۲۰۰۰، استدلال کرد که «انگیزه اصلی هند از آزمایش‌های سال ۱۹۹۸، کاهش عدم تقارن نظامی بود که با چین ایجاد شده بود» (Scott, 2008: 253).

در اینجا باید عنوان کرد که نوع برخورد چینی‌ها با هندی‌ها متفاوت از سال ۱۹۶۲ بود. در حالی که در سال ۱۹۶۲ چین اقدام به واکنش نظامی علیه هند کرد، در سال ۱۹۹۸ پاسخ چین در برابر انفجار هسته‌ای هند ملایم و منعطف‌تر بود. با بهره‌گیری از تئوری سازه‌نگاری و تاثیر هویت بر سیاست‌گذاری و اقدامات، می‌توان بیان کرد که در سال ۱۹۶۲، چین احساس می‌کرد که با امتناع هند از مذاکره با این کشور هویتش در معرض خطر است، در این دوره مسئله فقط یک مسئله ساده اداره مرزها نبود بلکه مرزها در این دوره هویتی شده بود و چین خود را در معرض سه چالش قلمرو، حاکمیت و مشروعیت می‌دانست و همین امر باعث اقدام نظامی در برابر هند شد. اما چین در سال ۱۹۹۸، یک رویکرد ملایم در برابر انفجار هسته‌ای هند داشت. گوانگ این رویکرد را با این استدلال که هویت چین با این واقعه تهدید نشد توضیح می‌دهد و عنوان می‌کند که انفجار هسته‌ای هند در سال ۱۹۹۸، حمله‌ای به هویت چین نیست و دلیلی برای اثبات قدرت هسته‌ای چین و موقعیت برتر آن کشور به عنوان قدرت اصلی در منطقه است (Guang, 2005: 413).

این به معنای آن نیست که چین در مورد آزمایشات هسته‌ای هند نگران نیست بلکه به این معنا است که چین به روش‌های مختلفی بعد از سال ۱۹۶۲، در برابر هند واکنش نشان می‌دهد. گوانگ بیان می‌کند که «واکنش‌های چین به آزمایش‌های هسته‌ای هند در سال ۱۹۹۸، ماهیت سیاسی و جغرافیایی داشت. برخلاف سال ۱۹۶۲ که هویت آن کشور مورد حمله قرار گرفته بود، در سال ۱۹۹۸ امنیت ملی آن کشور در معرض خطر بود نه هویت اساسی آن کشور، به همین دلیل واکنش‌ها نیز ملایم‌تر از قبل بود» (Guang, 2005: 414). اصولاً برتری قدرت چین نسبت به هند در سال ۱۹۹۸، باعث شد که یک روش محدود و ملایمی را

در برابر این کشور اتخاذ کند.

همچنان رقابت هسته‌ای، روابط هند و چین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. مسابقه تسلیحات هسته‌ای و تنگنای امنیت هسته‌ای^۱ یک عنصر بسیار پیچیده رقابتی را در روابط دو کشور می‌افزاید. حتی اگر به عنوان مثال آزمایش‌های پخران-۲ هند مصالحه و حل و فصل شود، استقرار زیاد موشک‌های چینی علت نگرانی در هند است. چلانی در سال ۲۰۰۰ اظهار داشت که «بزرگترین همسایه هند (چین) در حال توسعه و گسترش ظرفیت موشکی خود به منظور هدف‌گیری در هر نقطه‌ای از جهان است. اولاً این موشک‌های جدید دانگ‌فنگ ۳۱^۲، که در اواخر ژوئیه ۱۹۹۹ آزمایش شد توانایی دستیابی به هر نقطه‌ای از خاک هند را دارند ولی برای دستیابی به خاک آمریکا محدود هستند» (Scott, 2008: 254). وی عنوان می‌کند برنامه هسته‌ای چین سخت و خشن بود، «ظرفیت و توانایی نسبتاً کم بازدارندگی هسته‌ای هند به شدت با ساخت و سازهای هسته‌ای و تسلیحات موشکی چین به تحلیل می‌رود و تضعیف می‌شود. عدم تقارن در روابط هند و چین افزایش می‌یابد... هند هر اقدامی را برای کسب توانایی مشابه برای ایفای یک نقش اصلی و عمده در استراتژی‌های قدرت اتخاذ می‌کند» (Scott, 2008: 254). در فرایند طراحی قدرت، چین، نصب و استقرار انواع گوناگونی از موشک‌های با برد متوسط و میانجی را با هدف کنترل بر تبت عنوان کرده است. این سیستم‌های موشکی برای کنترل شورش‌های داخلی تبت نامربوط و غیرعقلانی است، اما هدف عینی و استراتژیکی این موشک‌ها خارج از تبت و هند است. این موشک‌ها قادرند به راحتی پایتخت هند (دهلی نو) و دیگر شهرهای مهم آن کشور را هدف قرار دهند. نصب و استقرار این موشک‌ها در تبت نه فقط با هدف غلبه بر نظامی‌گری هند است، بلکه چین را نیز قادر به اتخاذ دیپلماسی اجبار در رابطه با مناقشات مرزی می‌کند. استقرار موشک‌های بالستیک با برد متوسط، چین را به راحتی قادر به تهدید مستقیم هند می‌کند، در حالی که مراکز اصلی چین، مانند

1. nuclear security dilemma.

2. Dongfeng (DF)31.

بیجینگ، شانگهای و گوانجو بسیار دور از هند بودند و هند توانایی تهدید آنها را نداشت. با رجوع به سال ۱۹۹۹ پی می‌بریم که استراتژیست‌های هندی معتقد بودند که بازدارندگی واقعی هند در برابر چین فقط زمانی به دست می‌آید که هند قادر به تهدید شهرهای اصلی چین مانند پکن و شانگهای با سلاح‌های هسته‌ای باشد (Kanwal, 1999: 1726). با این حال، هند در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، موفق به آزمایش موشک بالستیک آگنی-۱۳ با برد ۳,۰۰۰ کیلومتر (۱,۸۶۰ مایل) شد؛ موشک‌هایی که هند سه بار آنها را آزمایش کرد. اولین بار در سال ۲۰۰۶ که آزمایش آن ناموفق بود ولی دوبار دیگر در آوریل ۲۰۰۷ و می ۲۰۰۸، موفقیت‌آمیز بود. موشک‌هایی که برای اولین بار بسیاری از مراکز اصلی چین را در معرض هدف تأسیسات هسته‌ای هند قرار می‌دادند (Norris and Kristensen, 2008: 39). واضح است همان‌گونه که موشک بالستیک آگنی-۱ با برد کوتاه به سمت پاکستان هدف‌گیری شده بود، هدف موشک آگنی-۳ ایجاد بازدارندگی با چین بود. توانایی هسته‌ای هند در سال ۲۰۰۸، با ایجاد و استقرار زیردریایی ساگاریکا^۲ که قادر به حمل و پرتاب موشک‌های بالستیک بود، تقویت شد. تکمیل و آزمایش سیستم موشکی آگنی-۳+IV^۳ با برد ۵,۰۰۰ کیلومتر (۳,۱۱۰ مایل) در اوایل سال ۲۰۰۹، هند را برای اولین بار قادر به هدف‌گیری همه خاک چین کرد. از منظر چینی‌ها این افزایش قدرت هسته‌ای در هند، بی‌ارتباط با ایالات متحده امریکا نیست (Scott, 2008: 255). هند همچنین در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۴، موشک آگنی-۴ را آزمایش کرد که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای با برد ۳,۵۰۰ کیلومتر (۲,۱۷۵ مایل) است. البته عنوان می‌شود که این موشک توانایی حمل کلاهک هسته‌ای تا برد ۴۰۰۰ کیلومتر (۲,۴۸۶ مایل) نیز دارد. هند با موشک آگنی-۴ قادر به هدف‌گیری تمام خاک چین از شمال هند از جمله بیجینگ و شانگهای است (Kristensen and Norris, 2015: 80). هند در ادامه موفق به ساخت و آزمایش موشک آگنی-۵ با برد ۵۰۰۰ کیلومتر (۳,۱۱۰ مایل)، شد. موشک آگنی-۵ قادر به هدف‌گیری تمام خاک چین از مرکز و

1. Agni-III.
2. Sagarika.
3. Agni-III+/IV.

جنوب هند است (Kristensen and Norris, 2015: 80). هند همچنین به توسعه زیردریایی خود نیز ادامه داد و در سال ۲۰۱۴، زیردریایی آریهانت^۱ را که قادر به حمل و پرتاب موشک‌های هسته‌ای بود را آزمایش کرد.

به طور کلی سیاست اعلامی چین این است که سلاح‌های هسته‌ای در جنگ بین همسایگان قابلیت استفاده ندارد؛ اما چین نمی‌گوید که متوسل به سلاح‌های هسته‌ای در قلمرو کشور خود نمی‌شود. این موضوع در واقع تهدید هند است، به‌ویژه در مورد مسائل مرزی مورد اختلاف که چین ادعا می‌کند قلمرو سنتی‌اش است. حمایت و کمک چین به پاکستان در مدرنیزه کردن ارتش و تجهیزات نظامی‌اش، توسط هند به عنوان یک عمل تهاجمی چین در سرتاسر مرزهای این کشور ادراک می‌شود (Hettiarachchi and Abeyrathne, 2014: 110). بنابراین توسعه سیستم‌های موشکی دو طرف تهدیدی برای یکدیگر است و با توجه به مناقشات مرزی بین دو کشور، این موضوع روابط دو کشور را متأثر از خود می‌سازد.

۳. فرصت‌های همکاری هند و چین

تجارت و انرژی: در کنار ژئوپلیتیک، در قرن بیست و یکم ژئواکونومیک نیز اهمیت یافت. رشد اقتصادی بیش از ده درصد چین، با رشد اقتصادی دو رقمی هند همراه شد. چنین رشد مشابهی سرآغاز گفت‌وگوهای خوشبینانه به‌ویژه در طرف چینی شد. چنین وضعیتی یک شرایط برد برد را در روابط دو کشور ایجاد کرد و از آن به عنوان قرن آسیایی نام برده شد.

گسترش رشد تجاری چین در بازارها در سال ۲۰۰۸، با برچیدن نظام کنترل دولتی بر بازرگانی و اقتصاد، بارز شد. در نتیجه، معافیت تعرفه بر واردات در چین فراتر از معافیت مناطق اقتصادی خاص در دهه ۱۹۹۰ گسترش یافت. ابزارهای سیاسی دیگر مانند تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و الزامات صدور مجوز نیز با ورود چین به سازمان تجارت جهانی (WTO)، کاهش ویژه‌ای یافت. اما فرایند اصلاحات در هند در سال ۱۹۹۰، شتاب یافت. هند در سال ۲۰۰۱ نیز به فرایند ادغام با هدف معافیت تعرفه‌ها و مناطق تجاری آزاد برای صادرات ملحق شد. در میان این

1. Arihant.

اصلاحات، تجارت کالا در هر دو کشور افزایش یافت. شکل یک به طور واضح نشان می‌دهد که دو کشور هند و چین با سبقت گرفتن از رقبای پیشین، با اقتصاد جهانی به طور فزاینده‌ای ادغام شده‌اند. حتی با اصلاحات عمده (اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه نود برای چین و هند به ترتیب)، سهم صادرات چین بیشتر از هند است. با این حال، در شکل نشان داده شده است که صادرات دو کشور رشد سریع‌تری از صادرات جهانی دارد. حتی انتظار می‌رود که صادرات تولیدی هند با اعلام اخیر مبنی بر ۱۲ درصد رشد سالیانه در تولید کالا رشد سریع‌تری داشته باشد. در کل نرخ رشد بالای تجارت چین در مقابل هند، همچنین بیانگر درجه بالایی از باز بودن دست چین دارد (Devadason, 2008: 2-3).

جدول یک: تجارت کالا، ۱۹۹۰-۲۰۰۵ (در درصد)

کشور	سهم صادرات جهانی			میانگین نرخ رشد ۱۹۹۰-۲۰۰۵
	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	
چین	۱/۹	۳/۰	۳/۹	۱۷/۴۷
هند	۰/۵	۰/۶	۰/۷	۹/۹۴
کشور	سهم واردات جهانی			میانگین نرخ رشد ۱۹۹۰-۲۰۰۵
	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	
چین	۱/۷	۲/۶	۳/۴	۱۴/۴۹
هند	۰/۵	۰/۷	۰/۹	۱۰/۴۸

Source: Devadason, 2008: 3

آمار و ارقام صادرات و واردات جهانی بیانگر این موضوع است که از سال ۲۰۱۱ به بعد، چین دومین واردکننده بعد از آمریکا و اولین صادرکننده کالا است؛ در حالی که هند سیزدهمین کشور واردکننده محصولات و نوزدهمین کشور صادرکننده است. جدول زیر واردات و صادرات جهانی چین و هند را از سال ۲۰۱۱ به بعد، به تصویر کشیده است.

جدول دو؛ واردات و صادرات جهانی چین و هند از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵

واردات جهانی چین و هند (در هزار دلار امریکا)						
	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	
چین	۱,۶۸۱,۶۷۰,۸۱۶	۱,۹۵۸,۰۲۱,۳۰۱	۱,۹۴۹,۹۹۲,۳۱۵	۱,۸۱۸,۱۹۹,۲۰۰	۱,۷۴۳,۳۹۴,۹۰۰	
هند	۳۳۹۰,۷۴۴,۷۳۱	۴۵۹,۳۶۹,۴۶۴	۴۶۶,۰۴۵,۵۶۷	۴۸۸,۹۷۶,۳۷۸	۴۶۲,۴۰۲,۷۹۱	
صادرات جهانی چین و هند از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵						
	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	
چین	۲,۲۸۱,۸۵۵,۹۲۲	۲,۳۴۲,۳۴۳,۰۱۱	۲,۲۰۹,۰۰۷,۲۸۰	۲,۰۴۸,۷۸۲,۲۰۰	۱,۸۹۸,۳۸۸,۴۰۰	
هند	۲۶۴,۳۸۱,۰۰۴	۳۱۷,۵۴۴,۶۴۲	۳۳۶,۶۱۱,۳۸۹	۲۸۹,۵۶۴,۷۶۹	۳۰۱,۴۸۳,۲۵۰	

Source: http://www.trademap.org/tradestat/Country_SelProduct_TS.aspx?nvp

به غیر از ادغام در بازار جهانی که در جدول یک نشان داده شده است، گسترش قابل توجه‌ای در تجارت دوجانبه هند و چین با یکدیگر نیز وجود دارد. فرایند گسترش تجارت دوجانبه هند و چین از سال ۱۹۹۹ شتاب گرفت. صادرات کالا از چین به هند رشدی با میانگین ۴۴ درصد در بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۵ داشته است. اما تجارت بین دو کشور در این دوره به نفع چین بوده است. بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵، صادرات چین به هند با توجه به بهبود وضعیت صنعت در هند، افزایش یافت؛ اما سهم تجارت دوجانبه در کل تجارت چین و هند پایین است. تجارت بین دو کشور ۰٫۹ درصد و ۸ درصد از کل تجارت خارجی هند و چین را در سال ۲۰۰۵ به ترتیب به خود اختصاص داد.

رشد سریع صادرات چین در سال ۱۹۹۰، مرهون کار فشرده در تولید پوشاک، کفش و اسباب بازی (SITC8) بود. با ظهور چین در وضعیت آن کشور نیز تغییرات واضحی به عنوان یک کشور مهم برای مونتاژ/عملیات پردازش از لوازم الکترونیکی، کامپیوتر و دیگر محصولات IT (SITC 7) مشاهده می‌شود. گفته می‌شود وضعیت فعلی تجارت چین، ارتباط کمی با مزیت نسبی چین دارد (Rodrik, 2006). در مقابل، صادرات هند مشتمل بر محصولات SITC 6، با توجه به مزیت نسبی آن کشور در تولید آهن، فولاد و پارچه است. از طرف دیگر واردات چین دوباره متمرکز بر محصولات SITC 7 است، که اکثر واردات چین (در حدود ۶۳ درصد)، به عنوان محصولات واسطه‌ای طبقه‌بندی می‌شود؛ حدود نیمی از آنها

حاوی قطعات و اجزای سازنده است. واردات هند نیز مشتمل بر محصولات SITC 7 است. آمار جدول ۳ تغییر در الگوی صادرات چین به هند را نشان می‌دهد. صادرات چین به هند در سال ۱۹۹۲ مبتنی بر محصولات SITC 5 بود، و در سال ۲۰۰۵ سهم این گروه محصولات به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت. در حال حاضر صادرات چین به هند مبتنی بر محصولات SITC 7 (کالاهای ماشینی و الکترونیکی) است، در حالی که واردات از هند اساساً مبتنی بر محصولات SITC 6 (سنگ آهن، فولاد، پلاستیک و پنبه) است. نه فقط صادرات چین به هند متنوع‌تر از واردات چین از هند است، بلکه همچنین شامل موارد ارزش افزوده بیشتری نیز می‌شود (Devadson, 2008: 4).

در فرایند درجه همپوشانی تجارت، ترکیب صادرات هند و چین نیز می‌تواند اساساً هم از بعد جهانی و هم از منظر دوجانبه متمایز فرض شود. علاوه بر این، تأکید دو کشور هند و چین نیز مبتنی بر صادرات کالاهای تکمیل شده و صادرات کالاهای واسطه‌ای متفاوت است. نکته بسیار مهم این است که با توجه به تفاوت‌های دو کشور از منظر تجاری، دو کشور بیشتر مکمل هم هستند تا رقیب یکدیگر باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول سه: ترکیب کالای تجاری بین سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۵ (در درصد)

SITC 8	SITC 7	SITC 6	SITC 5	SITC 8	SITC 7	SITC 6	SITC 5	سال
صادرات				واردات				
صادرات و واردات چین								
۸,۲۸	۴۶,۰۹	۲۸,۸۸	۱۶,۷۵	۵۰,۱۲	۱۹,۵۵	۲۳,۸۹	۶,۴۴	۱۹۹۲
۷,۵۹	۴۹,۲۸	۲۶,۹۳	۱۶,۲۰	۴۲,۷۱	۲۴,۷۴	۲۵,۳۹	۷,۱۶	۱۹۹۵
۷,۱۸	۵۲,۰۵	۲۳,۶۷	۱۷,۱۰	۳۸,۵۲	۳۷,۰۰	۱۹,۰۶	۵,۴۲	۲۰۰۰
۱۱,۹۳	۵۶,۰۹۳	۱۵,۹۱	۱۵,۲۴	۲۷,۳۰	۴۹,۵۲	۱۸,۱۵	۵,۰۳	۲۰۰۵
صادرات و واردات هند								
۶,۳۲	۳۲,۷۷	۳۶,۸۵	۲۴,۰۶	۲۸,۴۶	۱۰,۵۵	۵۰,۴۴	۱۰,۵۴	۱۹۹۰
۶,۴۶	۳۵,۸۸	۳۰,۳۳	۲۷,۱۳	۲۶,۸۷	۱۰,۲۱	۵۱,۸۸	۱۱,۰۵	۱۹۹۵
۸,۷۵	۳۳,۵۴	۳۷,۷۹	۱۹,۹۱	۲۶,۹۴	۱۰,۲۴	۴۹,۳۱	۱۳,۵۲	۲۰۰۰
۷,۲۷	۴۵,۵۳	۲۸,۶۷	۱۸,۵۳	۲۳,۵۳	۱۵,۱۸	۵۴,۰۷	۱۶,۲۲	۲۰۰۵
چین و هند								
۳,۵۸	۳,۶۱	۶۹,۸۷	۲۳,۹۵	۶,۵۵	۱۴,۳۸	۲۲,۰۱	۵۷,۰۶	۱۹۹۲
۳,۰۴	۱۰,۲۴	۵۶,۵۵	۳۰,۱۸	۵,۵۳	۲۲,۷۵	۱۷,۱۰	۵۴,۰۶۲	۱۹۹۵
۴,۳۶	۷,۵۸	۵۲,۷۹	۲۵,۲۶	۸,۴۵	۳۱,۴۴	۲۰,۶۷	۳۹,۴۴	۲۰۰۰
۲,۷۸	۱۲,۱۱	۵۱,۶۴	۳۳,۴۷	۶,۶۰	۴۲,۹۸	۲۸,۹۶	۲۱,۴۶	۲۰۰۵

نکته: SITC 5 شامل مواد شیمیایی و محصولات وابسته به آن؛ SITC 6 شامل کالاهای تولیدی و مواد طبقه‌بندی شده؛ SITC 7 شامل ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل؛ SITC 8 شامل تولیدات متفرقه و گوناگون دیگر.

Source: Devadason, 2008: 5.

با توجه به مطالب بالا می‌توان عنوان کرد که دو کشور با توجه به نقاط قوت خود می‌توانند ضعف‌های یکدیگر را پوشش دهند. بر همین اساس نیز دو کشور تصمیم متقابلی برای کنار گذاشتن مبارزه در مرزهای مورد مناقشه گرفتند؛ چرا که اقتصادهای آنها توسعه یافته و ورود به بازار جهانی در چین به عنوان توسعه صلح‌آمیز شناخته شده است. هند و چین با توجه به رشد اقتصادی و نفوذ در بازارهای جهانی، احتمالاً بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰، بزرگترین شریک تجاری باشند. افزایش مداوم و تدریجی تجارت هند و چین می‌تواند بیانگر این مطلب باشد. در سال ۱۹۹۱، تجارت بین دو کشور ۲۶۵ میلیون دلار بود. بعد از حدود یک دهه در سال ۱۹۹۹، به ۱,۸۲ میلیارد دلار افزایش یافت. در سال ۲۰۰۰ حجم تجارت بین دو کشور ۲,۵ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۴ به ۱۳,۶ میلیارد دلار رسید (Gojree, 2013: 50). در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، حجم تجارت دو کشور ۴۳,۲۸

میلیار دلار و ۵۱,۸۶ میلیارد دلار بود. حجم تجارت دو کشور در سال ۲۰۱۰، از مرز ۶۰ میلیارد دلار عبور کرد. جدول ۴ رشد تجاری بین دو کشور هند و چین را در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به تصویر کشیده است.

جدول چهار: رشد تجارت هند و چین بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰

نرخ رشد	سهام (%)			ارزش صد میلیون دلار			
	۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۰۵	۲۰۰۰	
الف. تجارت چین با هند							
۳۶,۶	۲,۱	۱,۳	۰,۶	۶۱۷,۹	۱۸۷,۲	۲۹,۲	واردات
۲۸,۲	۲,۶	۱,۲	۰,۶	۴۰۹,۲	۸۹,۴	۱۵,۷	صادرات
۳۴,۱	۱,۵	۱,۵	۰,۶	۲۰۸,۷	۹۷,۸	۱۳,۵	واردات
۲۰۰,۵	-۸,۴			۲,۲			تراز تجاری
ب. تجارت هند با چین							
۳۶,۶	۱۰,۰	۶,۹	۲,۴	۵۴۱,۰	۱۶۴,۰	۲۲,۱	واردات
۳۷,۷	۷,۹	۶,۶	۱,۸	۱۷۲,۴	۶۴,۷	۷,۶	صادرات
۳۶,۱	۱۱,۴	۷,۱	۲,۹	۳۶۸,۶	۹۹,۳	۱۴,۵	واردات
-۱۹۶,۳	-۳۴,۵			-۶,۹			تراز

Source: Zhu, 2011: 34

بنابراین واضح است که روابط تجاری بین دو کشور در دو دهه اخیر افزایش یافته است و در آینده نیز انتظار می‌رود این روند ادامه داشته باشد. آمار و ارقام سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، بیانگر این موضوع است که چین اولین واردکننده محصولات تولیدی از هند و هند نهمین واردکننده محصولات تولیدی چین است. جدول ۵ میزان واردات چین و هند را از یکدیگر از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ به تصویر کشیده است.

جدول پنج: میزان واردات چین و هند از یکدیگر بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵

الف: واردات چین از هند				
۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
۵۵,۴۸۳,۰۲۵	۵۴,۱۴۰,۴۵۵	۵۱,۶۳۵,۴۴۴	۵۸,۲۳۰,۵۴۶	۶۱,۶۰۴,۴۲۷
ب: واردات هند از چین				
۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
۵۰,۵۳۶,۴۱۶	۴۷,۶۷۷,۴۵۲	۴۸,۴۳۲,۴۱۱	۵۴,۲۲۰,۳۷۹	۵۸,۲۶۲,۰۰۴

Source: http://www.trademap.org/tradestat/Country_SelProduct_TS.aspx?np

نقطه قوت و توانایی هند در تکنولوژی اطلاعات (IT)، نرم افزار، مدیریت و خدمات مالی و توانایی چین در سخت افزار، تولید و ساخت وساز نهفته است.

بنابراین حوزه وسیعی برای همکاری در آینده با توجه به نقاط قوت هند و چین در روابط دو کشور وجود دارد.

علاوه بر زمینه‌ها و موارد ذکر شده بالا، موضوعات دیگری نیز وجود دارد که دو کشور هند و چین می‌توانند در آینده با یکدیگر همکاری داشته باشند. برای مثال در حوزه علم و تکنولوژی دو کشور پیشرفت و همکاری عظیمی در این حوزه داشته‌اند. در این راستا هند و چین نیاز به همکاری در زمینه‌هایی مانند فضا، نرم افزار کامپیوتر، مهندسی ژنتیک، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، تولید برق، کشاورزی و تعداد زیادی از موارد دیگر دارند. با وجود این عوامل، ترکیب کلی تجارت دوجانبه به ضرر هند است. صادرات هند به چین در درجه اول شامل مواد خام است، این کاملاً در تضاد با صادرات چین به هند است که شامل محصولات صنعتی است. شکل زیر ترکیب تجارت هند با چین را به تصویر کشیده است.

شکل شش: ترکیب تجارت هند با چین

۲۰۱۴	۲۰۰۹	۲۰۰۴	۱۹۹۹	
۱۴,۱۲۴	۹,۳۵۳	۲,۹۵۵	۴۲۷	کل صادرات به چین (میلیون دلار)
۵۱,۰۳۴	۳۲,۴۹۷	۴,۰۵۳	۱,۰۹۷	کل واردات از چین (میلیون دلار)

الف: درصد صادرات هند به چین

۲۰۱۴	۲۰۰۹	۲۰۰۴	۱۹۹۹	
۲۵,۹ %	۴,۲ %	۳,۶ %	۹,۸ %	پنبه
۱۲,۴ %	۱,۳ %	۱,۲ %	۰,۰ %	مس و تولیدات وابسته به آن
۱۰,۶ %	۵۱,۵ %	۳۹,۳ %	۲۶,۱ %	سنگ معدنی و محصولات وابسته به آن
۶,۹ %	۱,۲ %	۲,۵ %	۰,۰ %	سوخت‌های معدنی و مواد وابسته به آن
۶,۲ %	۴,۳ %	۷,۵ %	۱۱,۰ %	مواد شیمیایی و آلی
۴,۶ %	۳,۰ %	۳,۰ %	۳,۸ %	نمک، گوگرد، گچ و مواد وابسته به آن
۳,۸ %	۱,۶ %	۹,۰ %	۰,۳ %	پلاستیک و مواد وابسته به آن
۳,۳ %	۲,۵ %	۲,۳ %	۲,۰ %	راکتورهای اتمی و ماشین آلات
۲,۸ %	۰,۰ %	۰,۰ %	۰,۰ %	هوایم، سفینه فضایی و قطعات وابسته به آن
۲,۲ %	۳,۹ %	۲۰,۴ %	۱,۶ %	آهن و فولاد
۲,۰ %	۱,۲ %	۱,۰ %	۱,۱ %	ماشین آلات الکتریکی و قطعات وابسته به آن
۱۹,۴ %	۲۵,۴ %	۲۰,۰ %	۴۴,۴ %	محصولات دیگر

ب: درصد واردات هند از چین

۲۰۱۴	۲۰۰۹	۲۰۰۴	۱۹۹۹	
۲۷,۹٪	۳۰,۸٪	۲۹,۲٪	۱۰,۰٪	ماشین‌آلات الکتریکی و قطعات وابسته به آن
۱۸,۵٪	۱۷,۰٪	۱۲,۲٪	۱۱,۳٪	راکتورهای اتمی و ماشین‌آلات
۱۰,۶٪	۸,۷٪	۱۵,۹٪	۲۱,۲٪	مواد شیمیایی و آلی
۴,۲٪	۳,۷٪	۰,۱٪	۴,۹٪	محصولات پروژهای
۲,۶٪	۱,۶٪	۱,۴٪	۱,۱٪	پلاستیک و مواد وابسته به آن
۲,۴٪	۳,۲٪	۱,۱٪	۱,۰٪	مواد آهنی و یا فولادی
۲,۰٪	۱,۸٪	۱,۶٪	۱,۴٪	محصولات عکاسی و فیلمبرداری و تولیدات وابسته به آن
۱,۹٪	۱,۳٪	۰,۲٪	۰,۲٪	وسایل نقلیه
۱,۹٪	۵,۳٪	۰,۵٪	۱,۹٪	آهن و فولاد
۲۴,۲٪	۲۳,۹٪	۳۷,۶٪	۴۶,۶٪	محصولات دیگر

Source: Southerland and other, 2014: 9-10.

بنابراین به طور کلی می‌توان عنوان کرد که همکاری بین دو غول آسیایی (هند و چین)، در سطح دو جانبه و بین‌المللی در آینده ادامه خواهد داشت. به همین دلیل است که علی‌رغم وجود بسیاری از اختلافات، دو کشور از درگیری و رقابت آشکار با یکدیگر اجتناب می‌کنند. آنها دارای یک رابطه بسیار قوی و اساسی اقتصادی هستند و همچنین در مجامع بین‌المللی نیز در موضوعاتی مانند محیط زیست، تجارت، حقوق بشر، تسلیحات هسته‌ای و موضوعات اقتصادی همکاری می‌کنند. در تمامی این حوزه‌ها آنها دلایل بسیاری برای همکاری تا رقابت برخوردارند. همکاری بیشتر در همه موضوعات ذکر شده بالا برای دو کشور بسیار سودمند است و با توجه به بهبود و افزایش وضعیت و قدرت مذاکره آنها در برابر کشورهای توسعه یافته، آنها را قادر به ایفای یک نقش فعال در عرصه بین‌المللی می‌کند.

در اینجا باید یکبار دیگر بیان کنیم که اگرچه همکاری بین دو قدرت آسیایی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی یا دیگر حوزه‌ها در گذشته افزایش یافته و در آینده نیز به احتمال زیاد ادامه‌دار خواهد بود، اما سوءادراک، بی‌اعتمادی، سوءظن و خصومت نسبت به یکدیگر به طور کامل از بین نرفته و در آینده نیز این ویژگی‌ها همراه با همکاری، ویژگی بخش روابط هند و چین است. در حالی که سوءظن همیشگی هند در مورد چین پایدار مانده است، از طرف دیگر چین نیز در مورد

سیاست‌ها و اعمال آینده هند تردید دارد. برای چین پذیرفتنی نیست که هند نقشی فراتر از جنوب آسیا بازی کند و یا به عنوان یک رقیب برابر با چین ظاهر شود. برای مثال آرمان هند برای ایفای یک نقش فعال در شرق آسیا توسط چین حمایت نمی‌شود. چین ترجیح می‌دهد که هند در جنوب آسیا باقی بماند، اگرچه این کشور به صورت شفاهی اظهارتی را با این مضمون که هند باید نقش فعالی در امور جهانی ایفا کند بیان می‌کند. ورود هند به مجمع منطقه‌ای آسه آن، توسط ایالات متحده آمریکا و سنگاپور و نه چین، تایید شد. از نظر قابلیت‌ها و توانایی‌های نظامی و اقتصادی، چین خواهان آن است که بالاتر از هند باشد و وضعیت فعلی قدرت بین دو کشور بیشتر در خدمت منافع چین است. اما علی‌رغم وضعیت و موقعیت برتر چین در برابر هند، این کشور نگران همکاری هند با دیگر قدرت‌ها به‌ویژه آمریکا در برابر چین نیز هست. علاوه‌بر این، در روابط اقتصادی دو کشور دو تحریف نامتقارن در حال حاضر وجود دارد اول، تجارت با هند برای چین کم اهمیت است. برای پکن روابط تجاری با آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا مهمتر از هند است. چین دومین شریک تجاری هند است در حالی که هند در تجارت خارجی چین دهمین کشور است (Dvadason, 2008: 2). دوم، یک عدم تعادل در رشد تجاری دو کشور وجود دارد، عدم تعادل تجاری که کانون دیدگاه منفی در هند به عنوان یک شریک نابرابر با چین شده است.

انرژی و امنیت دریایی: دو قدرت نوظهور آسیایی در قرن ۲۱ با افزایش نیاز به منابع انرژی برای تغذیه اقتصادهای در حال رشد خود، سعی در ایجاد روابط امنیتی نزدیک با کشورهای سرشار از انرژی و همچنین سعی در حفظ امنیت خطوط دریایی خود دارند، که بخش عمده‌ای از تجارت از آن طریق صورت می‌گیرد. چین دومین مصرف‌کننده نفت بعد از آمریکا است. مصرف انرژی هند انتظار می‌رود رشدی بین ۳٫۶ تا ۴٫۳ درصد در هر سال داشته باشد و در سال ۲۰۳۰، بیشتر از دو برابر شود. بر این اساس، احتمالاً هند تبدیل به سومین واردکننده نفت در جهان قبل از سال ۲۰۲۵ می‌شود (Gojree, 2013: 51). هر دو کشور از عمده‌ترین واردکنندگان انرژی هستند. در سال ۲۰۰۱، کل انرژی مصرفی

چین و هند به ترتیب ۳۹,۷ و ۱۲,۷ درصد بود. پیش‌بینی می‌شود که این رقم تا سال ۲۰۲۵ در مورد چین به ۶۰,۳ درصد و در مورد هند به ۲۳,۵ درصد برسد. جدول شش، هفت و هشت میزان احتیاج دو کشور به نفت و گاز را به تصویر کشیده است.

جدول هفت: کل مصرف انرژی - کوادریلیون، واحد گرمایی بریتانیا^۱

کشور	۲۰۰۱	۲۰۲۵	میانگین درصد رشد سالیانه
ژاپن	۲۱,۹	۲۳,۳	۰,۳
چین	۳۹,۷	۶۰,۳	۱,۸
هند	۱۲,۷	۲۳,۵	۲,۶

جدول هشت: مصرف نفت - میلیون بشکه در روز

کشور	۲۰۰۱	۲۰۲۵	میانگین درصد رشد سالیانه
ژاپن	۵,۴	۶,۵	۰,۸
چین	۵,۰	۱۰,۹	۳,۳
هند	۲,۱	۵,۵	۴

جدول نه: مصرف گاز - تریلیون فوت مکعب

کشور	۲۰۰۱	۲۰۲۵	میانگین درصد رشد سالیانه
ژاپن	۲,۸	۳,۶	۱
چین	۱,۰	۶,۱	۷,۹
هند	۰,۸	۳,۴	۶,۱

Source: Gojree, 2013: 51 and Sergei, 2005: 243-244.

افزایش رشد اقتصادی همچنین منجر به افزایش نیاز دو کشور به واردات انرژی می‌شود، و افزایش نیاز دو کشور به حفظ امنیت منابع انرژی مورد استفاده و دسترسی به آنها گاهی اوقات همراه با هزینه‌هایی برای دوطرف می‌باشد. رقابت بر سر کنترل و دسترسی به منابع انرژی احتمالاً در سال‌های آتی مهم‌تر و افزایش می‌یابد. بر همین اساس است که چین در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری زیادی در توسعه بنادر و پایگاه‌های دریایی در پاکستان، بنگلادش، میانمار و سریلانکا کرده است. اگرچه چین مرز مشترکی با اقیانوس هند ندارد، اما در محافل چینی از اقیانوس هند به عنوان مرز بعدی چین نام برده می‌شود. از طرف دیگر هند نیز یک

نظاره‌گر منفعل به این تحولات نبوده است، آن کشور تمام این اقدامات را با افزایش و ارتقای روابط نظامی با مالدیو، ماداگاسکار، سیشل و امریکا در اقیانوس هند و با میانمار، سنگاپور، اندونزی، تایلند، ویتنام، تایوان، فیلیپین، استرالیا، ژاپن و امریکا در شرق پاسخ می‌دهد (Gojree, 2013: 51).

با توجه به تحولات ذکر شده بالا می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده رقابت دریایی بین دو غول آسیایی تحت عنوان برخورد نیروی دریایی هند و چین، در اقیانوس هند و آرام تشدید می‌شود و رقابت دریایی بعد جدیدی به رقابت ژئوپلیتیکی سستی هند و چین می‌بخشد. بنابراین آینده روابط هند و چین بسیار حساس و ظریف است و احتمال وخیم شدن و زوال ناگهانی روابط در نتیجه سوءبرداشت و نگرش خصمانه به‌ویژه در موضوعات مرزی وجود دارد. رقابت بر سر منابع، تداخل حوزه‌های نفوذ و روابط نزدیک با رقبای یکدیگر، بیانگر این موضوع است که روابط آینده بین دو غول آسیایی بیشتر دربرگیرنده ویژگی‌های رقابتی تا همکاری‌جویانه است. در اینجا باید یکبار دیگر عنوان کرد که در یک چنین فضای پیچیده و ظریفی، هیچ‌یک از طرفین اقدام بی‌ثبات‌کننده‌ای در روابط دوجانبه اقتصادی یا روابط دیگر انجام نمی‌دهد. اما دو کشور همزمان سعی در تثبیت قدرت و موقعیت خود و حل و فصل مسائل و مشکلات داخلی و خارجی خود دارند.

روابط فرهنگی: چین و هند داری دو تمدن باستانی و فرهنگ کهن هستند و از دوران باستان با یکدیگر روابط فرهنگی نزدیکی داشته‌اند. صدها تن از اندیشمندان چینی از دانشجویان دانشگاه معروف نالاندا^۱ هند بودند. در زمان حاضر نیز بین دو کشور روابط فرهنگی عمیقی وجود دارد. در زمان مسافرت نخست‌وزیر هند و اجپایی به چین در سال ۲۰۰۳، دو طرف جهت ایجاد مراکز فرهنگی در پایتخت‌های یکدیگر و تسهیل در این امر توافق کردند. همزمان با اجرای برنامه تبادلات فرهنگی، تبادل و همکاری بین دو کشور در حوزه فرهنگ و هنر، آموزش و پرورش، علوم اجتماعی، رسانه‌های جمعی و امور جوانان و

ورزش تقویت شد. آخرین برنامه تبادل فرهنگی در دسامبر ۲۰۱۰، طی مسافرت ون جیابائو به هند برای همکاری در حوزه‌های فرهنگی شامل تبادل بینندگان از اجرای هنرمندان، مقامات، نویسندگان، معماران، باستان‌شناسان و برگزاری جشنواره‌های فرهنگی و غیره امضا شد. در آوریل سال ۲۰۰۵، یک یادداشت تفاهمی بین دو کشور برای ساخت یک معبد بودایی به سبک هندی در سمت غربی معبد اسب سفید در باغ بین‌المللی لئویانگ^۱ استان هنان^۲ امضا و رئیس‌جمهور هند خانم پاتیل^۳ معبد را در سال ۲۰۱۰ افتتاح کرد.

در طول دیدار وزیر امور خارجه هند در ژوئن ۲۰۰۸ از چین، مراسم انتشار تمبر مشترک در بیجینگ برگزار شد. یکی از تمبرها در معبد ماها بودی^۴ در بودا گایا^۵ و دیگری در معبد اسب سفید در شهر لئویانگ نمایش داده شد. مرکز مطالعات هند در دانشگاه پکینگ^۶ در ژوئن ۲۰۰۳ افتتاح شد. در ژوئن ۲۰۰۸، شاهد تبادلات پزشکی بین دو کشور بودیم. در این زمان ده پزشک از هند به چین اعزام و یک تیم از پزشکان چینی به هند رفتند. در آوریل سال ۲۰۰۹ یک تفاهم‌نامه در بیجینگ بین دو کشور به منظور سازماندهی و برگزاری جشنواره‌های فرهنگی هند در چین و همچنین جشنواره‌های چین در هند، در سال ۲۰۱۰، امضا شد. گروه‌های هندی در رویدادهای اخیر چین مانند بازی‌های آسیایی در گوانگجو در سال ۲۰۱۰ و جشنواره هنرهای آسیایی در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ شرکت کردند (Ratha and Mahapatra, 2012: 1159). بنابراین روابط فرهنگی عمیقی بین دو کشور وجود دارد و در حوزه اقتصادی نیز دو کشور درصدد تقویت روابط هستند، اما همچنان در مسائل استراتژیک دو کشور دارای کشمکش و رقابت هستند.

1. Luoyang.
2. Henan province.
3. Patil.
4. Mahabodhi.
5. Bodh Gaya .
6. Peking University.

نتیجه‌گیری

چین و هند دو قدرت نوظهور آسیایی هستند. روابط این دو کشور می‌تواند بر دینامیک‌های منطقه‌ای و موازنه قدرت در منطقه و جهان تاثیر داشته باشد. دو کشور دارای اشتراک منافع در بعضی از حوزه‌ها مانند تروریسم بین‌المللی، تحولات آب و هوایی، بازتعریف نهادهای بین‌المللی، اتخاذ رویکرد مشترک در موضوعات حقوق بشر و ترویج نظم جهانی چندجانبه هستند. حوزه بسیار مهم برای همکاری بین هند و چین تجارت و موضوعات اقتصادی است. هر دو کشور به دنبال ارتقای جایگاه خود در نظام بین‌الملل و اقتصادهای هر دو کشور مکمل یکدیگر است و در این حوزه روابط خوبی با یکدیگر دارند. اما با وجود بهبود روابط هند و چین، رقابت همچنان بین دو کشور وجود دارد. هر دو کشور درصدد کسب قدرت و موقعیتی هستند که مناسب جمعیت، وضعیت جغرافیایی، وسعت کشور خود و غیره باشد. دو کشور تلاش می‌کنند تا حضور خود را در بخش‌های مختلف آسیا و افریقا افزایش دهند. بنابراین رشد اقتصادی و تقویت نظامی دو کشور تنش جدیدی را در روابط دو کشور با رقابت هر دو کشور در بخش‌های آسیای جنوبی، جنوب شرقی آسیا و آسیای مرکزی ایجاد می‌کند. در سطح استراتژیکی هند به تقویت و گسترش حوزه و توانایی‌های دریایی خود ادامه می‌دهد. چنین اقداماتی چین را در مورد مقاصد آینده هند نگران می‌کند.

روابط چین و پاکستان نیز بر روابط هند و پاکستان تاثیرگذار است. هرچند که چین دیگر در مسئله کشمیر از پاکستان حمایت نمی‌کند، اما وضعیت هند را نیز تایید نمی‌کند. علاوه بر این موارد، در بسیاری از موضوعات دیگر مانند مسائل مرزی، آروناچال پرادش، رقابت برای دستیابی به منابع انرژی و غیره دو کشور دیدگاه‌های مختلفی دارند. به طور کلی می‌توان عنوان کرد که روابط هند و چین در آینده بیشتر رقابتی خواهد بود تا همکاری جویانه ولی چنین رقابتی بسیار بعید است به درگیری‌های نظامی بیانجامد.

آینده روابط هند و چین را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

س تقویت رشد اقتصادی چین و هند منجر به افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی و

نظامی آنها می‌شود.

س با وجود مشابهت‌ها و تقارن در روابط دو کشور، رقابت استراتژیکی دوجانبه چین و هند به این معنی است که در روابط این دو کشور رقابت در اکثر موضوعات اصلی جهانی اولویت دارد.

س چین و هند در اصلاح نهادهای بین‌المللی اتفاق نظر دارند، اما دو کشور در بسیاری از جزئیات مانند آینده معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای اختلاف نظر دارند.

س چین و هند تمایل به حفظ ثبات و امنیت در منطقه پاسیفیک دارند، اما تهدیدات را بسیار متفاوت درک می‌کنند.

س چین و هند اختلاف نظر قابل توجهی در بسیاری از موضوعات مربوط به امنیت آسیا، ثبات منطقه، امنیت دریایی، فضایی و فضای سایبری دارند.

س چین و هند اتفاق نظر گسترده‌ای در موضوعات مربوط به سیستم بین‌الملل، اصلاح نهادهای بین‌المللی، امنیت انرژی و محیط زیست دارند.

س آینده روابط هند و چین بستگی زیادی به نخبگان آن دو کشور و تصور و ادراک نخبگان دو کشور از نیت و مقاصد یکدیگر دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یاداشت

۱. Qing سلسله‌ای که توسط منچو (Manchus) تاسیس شد و بین سال‌های ۱۹۱۱-۱۶۴۴ بر چین حکومت کرد.

منابع

الف) فارسی

خبرگزاری جمهوری اسلامی. (۱۳۹۴/۲/۲۴). اهداف متفاوت هند و چین / تقویت روابط یا مقابله با نفوذ امریکا، قابل دسترسی در: www7.irna.ir/fa/News/816083305/
فرزین‌نیا، زیبا. ۱۳۸۸. روابط هند و چین: همکاری و رقابت، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵.

ب) انگلیسی

- Arif, S. M. 2013. A History of Sino-Indian Relations: From Conflict to Cooperation. **International Journal of Political Science and Development**, 1(4).
- Devadason, E. 2008. 'China and India in World Merchandise Trade: A Comparative Analysis,' in **Facets of a Transforming China: Resource, Trade and Equity**, Emile Yeoh Kok-Kheng (ed.), Institute of China Studies, University of Malaya: Kuala Lumpur.
- Dhanda, S. 2010. Nuclear Weapon Programme of India and Pakistan: A Comparative Assessment. **South Asian Survey**, 17(2), 255-281.
- Gojree, M.U. 2013. India and China: Prospects for Challenges. **International Research Journal of Social Sciences**, 2(8).
- Guang, L. 2005. "From National Identity to National Security: China's Changing Responses Toward India in 1962 and 1968," **Pacific Review** Vol. 17, No. 3.

- Hettiarachchi, N. and Abeyrathne, U. 2014. India and China Relations in the Context of Nuclear Weapons and Religious Fundamentalist Movement, ***International Journal of Liberal Arts and Social Science***.
- Jain, B.M. 2004. **India- China Relations: Issues and emerging trends**. The Round Table: The Commonwealth Journal of International Affairs.
- Kanwal, G. 1999. "China's Long March to World Power Status," ***Strategic Analysis*** Vol. 22, No. 11.
- Kegly, C. W. 2005. **World Politics: Trends and transformation**. (10th ed.). U.S.A., Wadsworth.
- kristensen, H. M. and Norris, R. S. 2015. Indian nuclear forces, 2008. **Bulletin of the Atomic Scientists**, 71(5).
- Kundu, N. D. 2004. **Russia-India-China: Prospects for Trilateral Cooperation**. available at: www.helsinki.fi/aleksanteri/english/publications/contents/ap_3-2004.pdf
- Malik, M. (2001). South Asia in China's Foreign Relations: Peace, Security and Global Change. **Pacific Publishing Company Review**, 13(1), 73-90.
- Maxwell, N. 1970. **India's China War**, London: Jonathan Cape.
- Maxwell, N. 2003. "Forty Years of Folly. What Caused the Sino-Indian Border War and Why the Dispute is Unresolved," ***Critical Asian Studies*** Vol. 35, No. 1.
- Norris, R. S. and kristensen, H. M. 2008. Indian nuclear forces, 2008. **Bulletin of the Atomic Scientists**, 64(5).
- Nuclear Weapons**. (26 May, 2016). Available in <https://fas.org>.
- Ranganathan, C. 2002. "The China Threat: A View from India," in Herbert Yee and Ian Storey, eds., ***The China Threat*** (London: RoutledgeCurzon, 2002).
- Ratha, K. C. and Mahapatra, S. K. 2012. India-China Bilateral Relations: Confrontation and Conciliation, Sustainable Growth, Economic Development, and Global Competitiveness. **Conference: 23rd International Business Information Management Association Conference (IBIMA)** on "Vision 2020 Sustainable Growth, Economic Development, and Global Competitiveness", At Valencia, Spain, Volume: 23.
- Rodrik, D. 2006. **What's So Special about China's Exports**, NBER Working Paper No.11947, National Bureau of Economic Research: Cambridge.

- Scott, D. 2008. Sino-Indian Security Predicaments for the Twenty-First Century, **Asian Security**, vol. 4, no. 3.
- Sergei, L. 2005. Russia and Asian Giants, "The Problems and the Prospects of Cooperation (Energy Sphere)", in Mahavir Singh (ed.), **Building A New Asia**, Shirpa Publications, New Delhi.
- Southerland, M. and other. 2014. **China-India Relations: Tensions Persist Despite Growing Cooperation**, U. S.- China Economic and Security Review Commission Staff Report.
- Tellis, A. J. and Mirski, S. 2013. **China, india, and the Emerging Global Order**. Carnegie Endowment for International Peace.
- Tellis, A. J. 2015. **China, india, and Pakistan – Growing Nuclear Capabilities Whit No End in Sight**, Carnegie Endowment for International Peace.
- Tkacik, M. 2014. Chinese Nuclear Weapons Enhancement: Implications for Chinese Employment Policy. **Defense Studies**, 14(2), 161-191.
- Wang, J. 2004. **"China's Changing Role in Asia," The Rise of China and a Changing East Asian Order**. Tokyo: Japan Center for International Exchange.
- Zhao, T. 2011. Conventional Counterforce Strike: An Option for Damage Limitation in Conflict with Nuclear Armed Adversaries. **Science & Global Security**, 19(3).
- Zhu, Y. 2011. **Sino – Indian Relations – From Hostility to Mutual Cooperation and Complementation**. Japan Center for Economic Research, Asia Research Report.